

روایت راهبردی دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید در رسانه اجتماعی ایکس (اوباما، ترامپ و بایدن)

سعیده مرادی فر^۱، عسگر صفری^۲

چکیده

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا با راهاندازی حساب کاربری «@POTUS» در ایکس می‌خواست به اهداف سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده در نظام بین‌الملل معنا ببخشد. پس از اوباما، ترامپ و بایدن نیز تلاش بسیاری صرف مشروعیت‌بخشی به ایده‌ها و روایت‌های خود در نظام بین‌الملل از طریق «@POTUS» بر مبنای نگرش‌های خود کردند. اما آنها چگونه با ساخت روایت‌ها و تصویرسازی از دستاوردهای خود در ایکس، اهداف و آرزوهای خود را در نظام بین‌الملل بیان کرده‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، در این مقاله با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی، دو مفهوم روایت راهبردی ملی و روایت راهبردی نظام بین‌الملل در سه حساب ایکس «@POTUS»، از می ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۲۳، بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این حساب درصد برساخت نقشی سازنده برای آمریکا به‌عنوان دولت بدون نقص «در داخل» و مسئولیت‌پذیر «در خارج» بوده است. روایت راهبردی ملی کاخ سفید شامل ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) و روایت راهبردی نظام بین‌الملل شامل ۳ مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) است. این مقولات برای سه رئیس جمهوری آمریکا اهمیت یکسانی نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: روایت راهبردی، دیپلماسی دیجیتال، رسانه اجتماعی ایکس، رئیس جمهوری، کاخ سفید.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۹

۱. دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
(نویسنده مسئول). moradi3005@yahoo.com

۲. دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گیلان، گیلان، ایران.
asgar.safari2017@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2024.424432.1212

مقدمه

کاخ سفید همواره در تلاش برای بیان هویت و منافع خود در نظام بین‌الملل بوده است تا هم بر روی ادراک مخاطبان و رقبای بین‌المللی‌اش اثر گذارد و هم اهداف و عملکرد خود را به‌عنوان یک بازیگر مشروع بین‌المللی در روایت‌هایش به تصویر بکشد (Natarajan, 2014: 91-94). اما برای انتقال این روایت‌ها به مخاطبان گسترده، نیاز به یک محیط رسانه‌ای است. ظهور رسانه‌های اجتماعی و درک اوپاما به‌عنوان نخستین «رئیس جمهور دیجیتالی» کاخ سفید (Hallams, 2010: 551) موجب شد تا وی از دیپلماسی دیجیتال برای انتقال و ساخت روایت‌های راهبردی برای به تصویر کشیدن نظام بین‌المللی دلخواه و نظم مطلوب خود استفاده کند (Miskimmon et al., 2014: 3). درک اوپاما از قدرت اینترنت و دیپلماسی در برقراری ارتباطات و شکل‌گیری روایت‌ها منجر شد تا وی، حساب کاربری «@POTUS» را در ایکس برای رئیس جمهوری آمریکا با هدف ارتباط مستقیم با مخاطبان (عامه مردم و سایر دولت‌ها) در می ۲۰۱۵ راه‌اندازی کند (Wall, 2015).

امروزه حساب «@POTUS» اوپاما به‌عنوان یک میراث به سایر رؤسای جمهور کاخ سفید انتقال می‌یابد. اما این به معنی نابودی اطلاعات دولت‌های قبلی نیست، بلکه محتوای حساب اوپاما «@POTUS44» در ژانویه ۲۰۱۷ و حساب ترامپ «@POTUS45» در ژانویه ۲۰۲۱ برای حفظ روایت راهبردی دولت‌های آنها به دفتر ملی بایگانی و مدارک آمریکا یا «نارا»^۱ انتقال یافته و ذخیره گردید (Schulman, 2017). با این حال، پس از ورود بایدن به کاخ سفید این حساب کاربری با نام «@POTUS46» به رئیس جمهور فعلی انتقال یافت. امروزه این انتقال دیجیتالی در کاخ سفید تبدیل به یکی از جنبه‌های مهم انتقال قدرت برای رئیس جمهور آمریکا شده است (Yurieff, 2021). این روند نشان از درک اهمیت دیپلماسی دیجیتال توسط مقامات ارشد آمریکا طی تقریباً دو دهه اخیر دارد و مسئله این مقاله نیز پیرامون چگونگی روایت‌سازی راهبردی از طریق دیپلماسی دیجیتال نضج می‌گیرد و شکل می‌یابد. دغدغه پژوهشگران واکاوی روایت‌های راهبردی کاخ سفید در رسانه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) است.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر تبیین روایت‌های راهبردی رؤسای جمهور آمریکا برای بیان اهداف خود از طریق دیپلماسی دیجیتال در بستر رسانه ایکس است. در بررسی این روایت‌سازی، باورهای ذهنی و تصویرسازی از «خود» و «دیگری» مبنا قرار داده شده است. در بخش نخست

1. National Archives and Records Administration (NARA)



مقاله پس از مطالعه پیشینه پژوهش، برای درک بهتر دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید از تئوری تصویر و روایت راهبردی استفاده شده است. تئوری تصویر از جمله نظریاتی است که همواره سعی داشته ادراک سیاستمداران را در مورد هر موضوعی به تصویر بکشد. این تئوری برای فهم روابط در شرایط تعاملی بوده است و به درک رهبران جهت می‌دهد تا دانش فردی خود را از طریق تصاویر ذهنی در مورد خود و دیگری بیان کنند (Patalano, 2003). همچنین روایت راهبردی به عنوان ابزاری برای دولت‌ها، می‌تواند منافع، ارزش‌ها و آرزوهای آنها را برای نظم بین‌المللی بیان کند. بازیگران سیاسی می‌توانند فضای گفتمانی را از طریق آن تغییر دهند، انتظارات را مدیریت کنند و نفوذ خود را گسترش دهند (3: Miskimmon et al., 2014). در بخش بعدی مقاله به تحلیل محتوای سه حساب ایکس بایدن «@POTUS46»، ترامپ «@POTUS45» و اوباما «@POTUS44» پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در رابطه با این موضوع انجام شده‌اند، بر مبنای رویکرد دولت آمریکا و احزاب آنها نسبت به سیاست‌های ایران بوده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
۱	دیپلماسی دیجیتال: بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا درباره برجام در بستر توئیتر	منصوریان و حسن خانی / ۱۴۰۱	رویکرد دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به برجام و استفاده آنها از توئیتر برای ارتباط با مخاطبان خود.
۲	مشروعیت‌زدایی گفتمانی از توافق هسته‌ای ایران در توئیتهای دونالد ترامپ	نورانی و همکاران / ۲۰۲۰	استفاده ترامپ از توئیتر برای توجیه تصمیم خود با بکارگیری استراتژی‌های عقلانی برای غیرمشروع‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و خروج از برجام.
۳	سیاست بصری معامله ۲۰۱۵ ایران: روایت، تصویر و راستی‌آزمایی	میسکیمون و اولوفلین / ۲۰۲۰	روایت راهبردی ایران و آمریکا تا قبل از توافق هسته‌ای مبتنی بر دشمنی بود. اما از ۲۰۱۵ این روایت دچار تغییر شد که یکی از نتایج آن، برجام بود.
۴	بازبینی نظریه بازی دو سطحی پاتنام در عصر دیجیتال: دیپلماسی دیجیتال داخلی و توافق هسته‌ای ایران	بوجلا و مانور / ۲۰۱۸	راه‌اندازی حساب ایکس «@TheIranDeal» توسط اوباما برای جلب توجه مردم آمریکا برای حمایت از تصویب توافق هسته‌ای ایران.

در مقاله پیش رو، روایت‌های راهبردی اوباما، ترامپ و بایدن از محتوای حساب ایکس آنها استخراج شده است. مهم‌ترین ویژگی و وجه تمایز این مقاله، مطالعه ساخت روایت راهبردی کاخ سفید در ایکس با برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی در اقدامات رؤسای جمهور آمریکا است. همچنین در این مقاله تفاوت رویکرد دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در جمع‌آوری مواد خام بین‌المللی و داخلی برای ساخت روایت راهبردی بر مبنای رویدادهای داخلی و خارجی مشخص شده است. از آنجا که تاکنون پژوهشی درباره مقایسه روایت راهبردی اوباما، ترامپ و بایدن در حساب ایکس «@POTUS» کاخ سفید انجام نشده است، لذا مقاله حاضر دارای نوآوری و متفاوت از پیشینه پژوهش است.

مبانی نظری

نمادها، گفتمان‌ها و داستان‌ها بخش مهمی از رفتار احزاب، سازمان‌های دولتی و همه بازیگران درگیر در فرآیندهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. این موضوع منجر شده تا محققان توجه ویژه‌ای به روایت‌های راهبردی داشته باشند. امروزه از روایت‌های راهبردی برای توصیف داستان‌های جذاب استفاده می‌شود تا وقایع به طرز قانع‌کننده‌ای خوشایند به نظر آید (Schmitt, 2018: 3-4). این روایت‌ها بر مبنای تجربه تاریخی، ملی یا فرهنگی بازیگران شکل می‌گیرند و بازیگران سیاسی با انتخاب و برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی در اقدامات خود، تفسیر و ارزیابی خاصی از خود و دیگری را در یک روایت جدید چارچوب‌بندی می‌کنند (Miskimmon et al., 2014: 7-8).

روایت‌های راهبردی ابزاری برای بازیگران سیاسی است که می‌توانند از طریق آن معنای مشترکی از گذشته، حال و آینده سیاست بین‌الملل برای شکل‌دهی به رفتار بازیگران داخلی و بین‌المللی (Miskimmon et al., 2015: 341) به‌منظور ایجاد و حفظ نفوذ در جهان ایجاد کنند. بازیگران سیاسی در ارتباطات سیاسی خود با ساخت این روایت‌ها به دنبال دستیابی به منافع و شکل‌دهی به هویت‌های خود و دیگری هستند (Antoniades et al., 2010: 5-10). این تعریف دارای پنج مؤلفه است؛

۱. **آینده‌نگر بودن.** روایت راهبردی ممکن است به گذشته یا حال اشاره داشته باشد، اما به‌عنوان ابزاری راهبردی، سودمندی آن به شکل‌گیری سیاست در آینده مرتبط است؛



۲. **ثابت نبودن محتوا.** روایت راهبردی محصول اجتماعی قابل مذاکره است که بر مبنای

تعاملات کشورها هم با جوامع آنها و هم با سایر افراد خارجی ایجاد می‌شود؛

۳. **انتظارات.** شاخص‌های روایت‌های راهبردی یک کشور ممکن است به درک و انتظارات

غالب داخلی و بین‌المللی از آن کشور محدود باشد؛

۴. **مخاطبان داخلی و خارجی.** از روایت راهبردی می‌توان برای وحدت بخشیدن به

مخاطبان داخلی از راه ادعای هویت، ترسیم و انتقال این ادعا و موقعیت در حوزه بین‌المللی

استفاده کرد؛

۵. **ادعای یک هویت.** موقعیت متمایزی را در مورد یک موضوع خاص، حوزه سیاست یا

جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد (Miskimmon et al., 2017: 4-5).

روایت‌ها اغلب توسط بازیگرانی نظیر حزب حاکم، نهاد یا رهبر سیاسی شکل می‌گیرند، سپس

بازیگران از طریق سخنرانی، اخبار و رسانه‌های اجتماعی، هویت و آرمان‌های خود را انتقال

می‌دهند (Miskimmon et al., 2018: 4-5). با وجود این، بازیگران برای ساخت یک روایت

جدید در روابط بین‌الملل نیاز به پنج شرط اساسی دارند؛ ۱. وجود یک محیط، ۲. حضور

شخصیت‌ها، ۳. وجود یک درگیری یا معضل و غلبه بر آن، ۴. ابزارهای لازم برای حل معضل، ۵.

ارائه راه حل (Miskimmon and O'Loughlin, 2020: 4).

رهبران سیاسی و احزاب در روایت راهبردی نقش مهمی در سانسور «گفتمان‌های هویتی»

برای تغییر نظم بین‌المللی دارند (Miskimmon et al., 2014: 12). آنها با گزینش مواد خام

بین‌المللی، روایت‌های متفاوتی در مورد نظم جهانی بر مبنای رویدادها و زمان‌بندی‌های متفاوت

ایجاد می‌کنند. این روایت‌های ساخته شده توسط مخاطبان داخلی و خارجی دریافت و تفسیر

می‌شوند و در نهایت حزب حاکم یا رهبر باید به تفسیرهای مخاطبان پاسخ دهد تا جایی که

روایت‌ها، قابل درک و قانع‌کننده باشد (Miskimmon et al., 2018: 4-6) و در نهایت به

منافع، هویت‌های بازیگر سیاسی و درک مخاطبان در مورد وقایع جهان شکل دهد

(Antoniades et al., 2010: 10). از این رو برای ساخت روایت‌های راهبردی، دو سطح تحلیل

متمایز وجود دارد؛

۱. **روایت نظامی:** این روایت‌ها، چگونگی درک یک بازیگر سیاسی از نظم بین‌المللی را نشان

می‌دهد. به‌عنوان مثال جنگ سرد یک روایت نظامی بوده که نمایانگر نظم بین‌المللی

دوقطبی است.

۲. روایت هویتی: این روایت‌ها، بیان‌کننده داستان یک بازیگر سیاسی، ارزش‌ها، شخصیت‌ها و اهداف آن است. به‌عنوان مثال آمریکا در داخل، صلح‌طلب و متعهد به دموکراسی و در خارج ابرقدرت و دنبال سلطه‌جویی است.

با این حال بازیگران سیاسی برای توجیه این دو سطح از روایت‌های خود نیاز به سطح دیگری دارند که به طور ضمنی به روایت‌های نظامی و هویتی اشاره دارد. این به‌عنوان سطح سوم توجیه می‌شود که روایت موضوعی یا سیاسی نام دارد. روایت موضوعی نشان می‌دهد چرا یک سیاست مورد نیاز و مطلوب است و چگونه می‌توان به آن دست یافت (Miskimmon et al., 2018: 6).

بازیگران سیاسی از این سطوح روایت‌های راهبردی برای ساخت تصاویر در رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که روایت راهبردی و نظریه تصویر دو روی یک سکه هستند. نظریه تصویر در روایت‌های راهبردی تنها فقط بر روی محتوای تصاویر متمرکز نیست، بلکه بر روی آنچه که آن محتوا نشان می‌دهد و نحوه مشاهده و تفسیر تصاویر هم تمرکز دارد. چراکه روایت‌ها زمانی تجسم می‌شوند که بازیگران سیاسی از تصاویر رویدادها برای انتقال روایت‌های راهبردی خود به مخاطبان استفاده می‌کنند (Crilley, 2015: 331-332). پس این سؤال مطرح می‌شود که نظریه تصویر چیست؟

نظریه تصویر یک تئوری تصمیم‌گیری است که در آن تصاویر نمایانگر ساختار شناختی، عاطفی و ارزیابی‌کننده یک بازیگر یا واحد سیاسی به خود و جهان است (Boulding, 1959: 12). این تئوری به سیاست‌مدار کمک می‌کند تا ادراک خود را در هر بُعدی به تصویر بکشد. عامل ادراک در شرایط ارتباطی منجر به تعریف بازیگر از «خود» و «دیگری» می‌شود. در نهایت بازیگران سیاسی بر اساس تعریف خود از واقعیت و تصاویر آنها از سایر دولت‌ها و خودشان عمل می‌کنند. این تصاویر به نوبه خود به نظام اعتقادی بازیگر وابسته بوده و این احتمال وجود دارد که بازنمایی دقیقی از واقعیت نباشد. بنابراین، می‌توان اینگونه بیان کرد که هیچ درگیری یا تضاد بین‌المللی بین دولت‌ها وجود ندارد بلکه این درگیری‌ها بین تصاویر تحریف شده دولت‌ها از یکدیگر است (Holsti, 1962: 244). هر دولتی ممکن است انگیزه‌ای برای طرح تصویر مثبت از خود با به تصویر کشیدن خود در یک موقعیت مثبت داشته باشد، درحالی که از تصویرسازی منفی از خود اجتناب می‌ورزد. تصویر از دیگری را می‌توان به‌عنوان بازنمایی ذهنی آن کشور در نظر گرفت. در واقع یک تصویر، باوری است که می‌توان درباره اهداف، مقاصد و هویت یک بازیگر در روابط بین‌الملل داشت (Bilali, 2011).



در مجموع روایت راهبردی شامل تصاویر بسیاری از گذشته، حال، آینده و متشکل از دانش انباشته شده‌ای است که یک بازیگر سیاسی درباره خود و جهان خود دارد. این روایت‌ها ممکن است به‌عنوان مجموعه از لنزها باشند که از طریق آن، اطلاعات و تصاویر مربوط به محیط فیزیکی و اجتماعی دریافت شود و سپس مخاطب را وارد فضایی کند که آن را برای او تعریف کند و ویژگی‌های برجسته‌اش را مشخص کند.

دیپلماسی دیجیتال

بازیگران سیاسی از رسانه‌های اجتماعی همانند ایکس برای ارائه روایت‌های خود، تعامل با مخاطبان خارجی و انتقال محتوا به سایر دولت‌ها و افکار عمومی استفاده می‌کنند. به بیان دیگر دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای دولت‌ها فراهم کرده تا روایت‌های راهبردی خود را در جهت اثرگذاری بر روی افکار عمومی مخاطبان و افزایش کارکرد دیپلماسی عمومی نشر دهد (Collins et al, 2019: 78-80). دیپلمات‌ها و رهبران سیاسی با بکارگیری دیپلماسی دیجیتال و نشر روایت‌ها می‌توانند (Natarajan, 2014: 92) حمایت عمومی داخلی را برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود و ترویج ارزش‌های ملی بسیج کنند. همچنین آنها فرصتی برای مقابله با روایت‌های افراطی و ترویج روایت‌های مثبت، پایبندی و مشروعیت‌دهی به هنجارها و ارزش‌های مورد قبول خود در عرصه بین‌المللی، ارائه و شکل‌دهی به تصاویر خود، گسترش ارزش‌ها به خارج از کشور، مدیریت مشارکت مردم در حمایت از سیاست‌های دیپلماتیک و تضعیف روابط دیپلماتیک مثبت قبلی و بهبود بحران در روابط دیپلماتیک فعلی خواهند داشت (Bjola et al., 2019: 89).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. البته در جاهایی که نیاز به آمار بوده و یافته‌ها به سمت اعداد سوق یافته‌اند، از رویکرد کمی در تحلیل محتوا نیز کمک گرفته شده است. تحلیل محتوا به‌عنوان یک تکنیک پژوهشی و تکرارشونده برای فشرده‌سازی بسیاری از کلمات متن به دسته‌های کمتر بر اساس قوانین صریح کدگذاری تعریف می‌شود (Stemler, 2000). در این پژوهش از سه حساب ایکس «@POTUS» رؤسای جمهور آمریکا برای ترسیم روایت‌های راهبردی آنها استفاده شده است. با توجه به اینکه حساب «@POTUS» از سال ۲۰۱۵ فعال شده است و تعداد توییت‌های او با ۳۵۲ توییت بوده است،

از این رو از حساب رسمی ترامپ و بایدن هم در فواصل زمانی مختلف ۳۵۲ توییت به صورت هدفمند انتخاب شده است. نگارندگان در مرحله اول، ۱۰۵۶ توییت از حساب‌های اوپاما، ترامپ و بایدن در ایکس از ۱۸ می ۲۰۱۵ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳ جمع‌آوری کردند، سپس در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ کدها را استخراج و مرتب کردند.

در این بخش لازم است به انجام روایی و پایایی پژوهش اشاره کرد. استفاده از برخی مفاهیم و ابزارها برای ارزیابی اعتبار تحقیق‌های کیفی لازم است که عبارتند از قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری)، قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) و قابلیت تأیید (تأییدپذیری). در راستای تأییدپذیری، نگارندگان به مواردی چون مشاهده مستمر فضای موضوع تحقیق، بررسی موضوع از زوایای مختلف، تبادل نظر بین نگارندگان پژوهش با یکدیگر و سایر کارشناسان و ارتباط مستمر با محیط ایکس را مدنظر قرار داده‌اند. استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی توسط هرکدام از نگارندگان و ارائه تحلیل از داده‌های مورد نظر به متخصصان نیز اقدام دیگری برای اعتبارپذیری تحقیق حاضر به شمار می‌رود. همچنین قابلیت اعتبار پژوهش با خودبازبینی نگارندگان در فرآیند جمع‌آوری توئیتهای از ایکس و مسیر تحلیل نیز تقویت شده است. علاوه بر این، ظرفیت قابلیت انتقال‌پذیری با در دسترس بودن تمامی داده‌های جمع‌آوری شده و ارائه توضیحات غنی افزایش یافته است. برای اطمینان از تأییدپذیری پژوهش نیز تمامی داده‌های خام ایکس و کلیه موارد مورد استفاده در تحلیل تحقیق، به صورت کامل نگهداری می‌شود تا برای بازبینی یا قضاوت دیگر کارشناسان موجود باشد. برای مفهوم پایایی نیز، «دقت» در انجام مراحل مختلف پژوهش، عامل اصلی پایایی تحقیقات کیفی است. برخی محققان بر این باورند که قابل اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده، صحت آنها و دقت برای بکارگیری روش صحیح اجرای تحقیق، عامل پایایی را در پژوهش تقویت می‌کند. علاوه بر این، پایبندی به این اصل در پژوهش حاضر با وجود مستندات اولیه، در دسترس بودن داده‌ها و همچنین بررسی روش اجرا توسط دو پژوهشگر دیگر، قابل اثبات است.



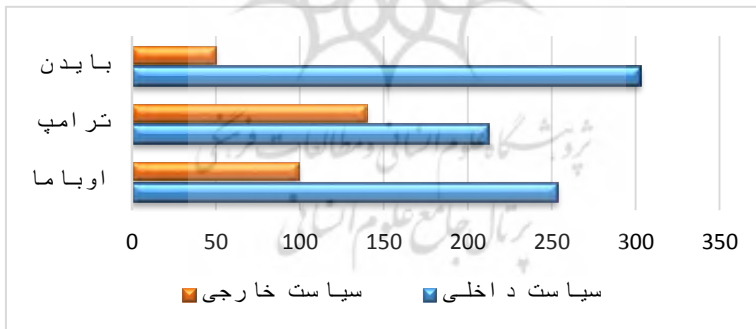
تجزیه و تحلیل توئیتهای

جدول زیر شرح مختصات سه حساب رؤسای جمهوری آمریکا در ایکس را نشان می‌دهد.

جدول ۲. حساب‌های کاربری در ایکس

حساب ایکس	تعداد توئیتهای	فالورها
@POTUS44 اوباما	<۳۵۰	۱۳/۷ میلیون
@POTUS45 ترامپ	<۱۱/۰۰۰	۳۲/۵ میلیون
@POTUS46 بایدن	<۵/۰۰۰	۳۰ میلیون

در گام اول نگارندگان با دو نوع مختلف توئیت در این سه حساب ایکس مواجه شدند که نمایانگر دیدگاه آنها در مورد سیاست داخلی و خارجی است. با توجه به نمودار ۱، دولت بایدن تمایل بیشتری برای نشر جزئیات سیاست داخلی خود به‌منظور ساخت روایت راهبردی ملی داشته، در حالی که وی دارای کمترین تعداد توئیت برای توجیه سیاست خارجی بوده است. نکته مهم در بررسی هر سه حساب کاربری در ایکس، تمایل فزاینده هر سه دولت برای تولید و نشر توئیتهایی در مورد سیاست داخلی آنها است. این موضوع نمایانگر فضای مشابه هر سه حساب «@POTUS» در دولت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها برای تصویرسازی از خود بوده است.



نمودار ۱. رویکرد اوباما، ترامپ و بایدن به سیاست داخلی و خارجی

در مجموع ۱۰۵۶ توئیت مورد مطالعه، ۷۶۷ توئیت (۷۳٪) به‌منظور تصویرسازی از سیاست داخلی آمریکا برای مخاطبان و رقبای بین‌المللی واشنگتن بوده است که در این بین، بایدن با ۳۰۲ توئیت (۳۸٪) پیشتاز بوده است، پس از بایدن، اوباما نیز با ۲۵۳ توئیت (۲۲٪) در جایگاه دوم قرار گرفت. علاوه براین، از مجموع کل توئیتهای، ۲۸۹ توئیت (۲۷٪) در مورد سیاست خارجی

آمریکا بوده که ترامپ با ۱۴۰ توییت (۴۰٪) تلاش کرده تا بُعد سیاست خارجی خود را بیش از پیش پررنگ کند. در حالی که پس از ترامپ، اوباما به‌عنوان یک دموکرات با ۹۹ توییت (۲۸٪) در جایگاه دوم قرار گرفت. بایدن نیز به‌عنوان یکی دیگر از نمایندگان دموکرات، کمترین میزان توجه به توییت‌های سیاست خارجی با ۵۰ توییت (۱۴٪) را داشته است. در جدول زیر به مقایسه حساب‌های کاربری هر سه رئیس‌جمهور پرداخته شده است.

جدول ۳. تحلیل حساب کاربری «@POTUS»

سیاست خارجی	سیاست داخلی	حساب‌های کاربری
۹۹	۲۵۳	@POTUS44 اوباما
۲۸٪	۷۲٪	
۱۴۰	۲۱۲	@POTUS45 ترامپ
۴۰٪	۶۰٪	
۵۰	۳۰۲	@POTUS46 بایدن
۱۴٪	۸۶٪	
۲۸۹	۷۶۷	مجموع توییت‌ها
۲۷٪	۷۳٪	

از مجموع تحلیل ۱۰۵۶ توییت سه حساب «@POTUS» رؤسای جمهوری آمریکا، ۱۴۲۴ کد بدست آمد. با تجزیه و تحلیل محتوای این سه حساب ایکس، ۱۰۶۲ کد (۷۵٪) برای روایت راهبردی ملی و ۳۶۲ کد (۲۵٪) برای روایت راهبردی نظام بین‌الملل بدست آمده است. از مجموع کدها، ترامپ با ۴۴۳ کد (۳۱٪) دارای کمترین میزان فعالیت در حساب کاربری «@POTUS45» بوده است، چراکه تمایل ترامپ در استفاده از حساب شخصی «@realDonaldTrump» بیشتر از حساب رسمی «@POTUS45» برای برقراری ارتباط با مردم بود. این در حالی بوده که بایدن با ۵۱۱ کد (۳۶٪) بیشترین فعالیت را برای نشر هر دو روایت داشته است.

کاخ سفید با استفاده از حساب «@POTUS» تلاش بسیاری برای پیشبرد روایت ملی نسبت به روایت نظام بین‌الملل به‌منظور ترسیم آمریکای بدون نقص و مسئولیت‌پذیر برای مخاطبان و رقبای داخلی و بین‌المللی کرده است. به‌عنوان مثال ۷۱٪ کدهای اوباما، ۶۵٪ کدهای ترامپ و ۸۶٪ کدهای بایدن در مورد روایت راهبردی ملی است. این در حالی بوده که تمایل کاخ



سفید برای تشریح روایت نظام بین‌الملل در هر سه دوره کم بوده است و بایدن کمترین توجه را با ۱۴٪ کد داشته است. در جدول زیر تعداد کدهای روایت ملی و نظام بین‌الملل اوپاما، ترامپ و بایدن مقایسه شده است.

جدول ۴. کدهای روایت ملی و نظام بین‌الملل اوپاما، ترامپ و بایدن

مجموع کدها	روایت نظام بین‌الملل	روایت ملی	رؤسای جمهوری
۴۷۰	۱۳۷	۳۳۳	اوپاما
٪۱۰۰	٪۲۹	٪۷۱	توییت‌های اوپاما (افقی)
٪۳۳	٪۲۸	٪۳۱	کل توییت‌ها (عمودی)
۴۴۳	۱۵۶	۲۸۷	ترامپ
٪۱۰۰	٪۳۵	٪۶۵	توییت‌های ترامپ (افقی)
٪۳۱	٪۴۳	٪۲۷	کل توییت‌ها (عمودی)
۵۱۱	۶۹	۴۴۲	بایدن
٪۱۰۰	٪۱۴	٪۸۶	توییت‌های بایدن (افقی)
٪۳۶	٪۱۹	٪۴۲	کل توییت‌ها (عمودی)
۱۴۲۴	۳۶۲	۱۰۶۲	مجموع کدها
	٪۲۵	٪۷۵	درصد کل

در نهایت با استخراج و دسته‌بندی کدها، نگارندگان به ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) در مفهوم روایت راهبردی ملی و سه مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) در مفهوم روایت راهبردی نظام بین‌الملل دست یافتند.

روایت راهبردی ملی

روایت راهبردی ملی کاخ سفید نمایانگر دیدگاه اوپاما، ترامپ و بایدن بر مبنای ارزش‌های حزبی و شخصی، اهداف، منافع و چالش‌های دوره آنها بوده است. اگرچه اوپاما، ترامپ و بایدن به‌عنوان رویان اصلی در ساختار روایت خود نقشی اساسی داشته‌اند، اما نباید فراموش کرد که آنها تحت عنوان رئیس‌جمهور در تلاش برای ایجاد تصویری از آمریکای قدرتمند بر مبنای دیدگاه حزبی و فردی خود برای مخاطبان و رقبای داخلی و بین‌المللی خود هستند. نکته مهم، وجود اختلاف

نظرات شخصی، حزبی و رویدادهای تاریخی مختلف است که منجر به ایجاد تفاوت در روایت ملی این رهبران شده است. این تفاوت‌ها تا آنجایی ادامه می‌یابد که برخی از کدها در روایت آنها کمرنگ می‌شود و یا حتی نادیده گرفته می‌شود.

بیشترین تأکید اوباما در مقوله نظام سلامت را می‌توان در قانون بیمه «اوباما‌کر»^۱ یا لایحه حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون به صرفه با ۵۰ کد مشاهده کرد. طبق این قانون همه شهروندان آمریکا باید تحت پوشش بیمه قرار می‌گرفتند. این بیمه به نفع شهروندان کم درآمد بوده و یک پیروزی بزرگ برای دولت اوباما و دموکرات‌ها به شمار می‌رفت؛ چرا که از سال ۱۹۶۵ تاکنون که قانون مدیکید^۲ برای افراد کم درآمد و مدیکر^۳ برای سالمندان تصویب شده بود، هیچ‌گونه تغییرات اساسی در نظام بیمه درمانی آمریکا انجام نشده بود. اما ترامپ به‌عنوان نماینده حزب جمهوری‌خواه، اوباما‌کر را زیر سؤال برد. وی بر این باور بود که قانون اوباما‌کر منجر به افزایش هزینه‌های بیمه و کسری بودجه می‌شود و می‌خواست بیمه خدمات درمانی خودش را جایگزین کند. با وجود این، قانون اوباما‌کر با روی کار آمدن مجدد دموکرات‌ها در ۲۰۲۱، مجدداً تبدیل به مهم‌ترین بخش روایت ملی آنها شده است. برای بایدن، احیای میراث بیمه خدمات درمانی اوباما به اندازه‌ای اهمیت داشته که در روایت وی به‌عنوان پرتکرارترین کد (۱۰۹ کد) مشاهده می‌شود. همزمان دولت بایدن از تصمیم ترامپ برای پایان دادن به بیمه سلامت میلیون‌ها آمریکایی در میانه بحران کووید ۱۹ انتقاد کرده بود. علاوه بر این، بایدن در تلاش بوده تا با افزایش بودجه مدیکر، هزینه داروهای همانند انسولین و سرطان را برای بیماران کاهش دهد. این دستاورد به‌عنوان یک معامله بزرگ در روایت ملی بایدن معرفی شده‌است که در آن جمهوری‌خواهان در کنگره همواره می‌خواستند با کاهش مالیات افراد ثروتمند و کاهش بودجه مدیکر و افزایش قیمت دارو، کسری بودجه دولت را جبران کنند. با وجود مبارزه ترامپ با بیمه خدمات درمانی اوباما، شیوع کووید ۱۹ به وی کمک کرد تا حفاظت از جان شهروندان آمریکایی را در اولویت سیاست داخلی‌اش قرار دهد. همچنین ادعای ترامپ مبنی بر ساخت و تولید واکسن کووید ۱۹ و مبارزه با آن و ویروس، موجب شد تا از رقبای دموکرات خود برای ایفای نقش منجی پیشی گیرد.

در مقوله رشد فزاینده اقتصاد، وقایع و رویدادهای روز به اوباما، ترامپ و بایدن فرصت داده تا این پیشرفت را به تصویر کشند، مثلاً بایدن از ورشکستگی بانکی و پساکووید، ترامپ از شیوع

1. Obamacare
2. Medicaid
3. Medicare



کووید-۱۹، ساخت و تولید واکسن، اوباما از بحران ۲۰۰۸ استفاده کرده است. با این حال هر سه رئیس جمهور بویژه اوباما (۱۷ کد) مدعی رهبری شهروندانش در زمان پیشرفت اقتصادی واشنگتن شده‌اند. اما به جز این دو کد مشترک، دو کد مشترک دیگر هم در شکل‌گیری روایت ملی آنها سهم داشته است؛ افزایش مشاغل و حقوق کارگران.

رویکرد مشترک اوباما، ترامپ و بایدن به این مقوله، ایجاد تصویری قدرتمند از اقتصاد آمریکا برای مخاطبان و رقبای بین‌المللی‌اش بوده است. بایدن اذعان داشته «زمانی که وارد کاخ سفید شد، اقتصاد آمریکا در حال چرخش به عقب بود و بسیاری از کسب‌وکارها تعطیل شده بودند. اما پس از گذشت یکسال با سرمایه‌گذاری دولت وی بیش از ۱۰ میلیون شغل جدید ایجاد شده است». وی به وضوح در روایت خود مطرح کرده که آمریکا پایین‌ترین نرخ بیکاری را در ۵۰ سال گذشته تجربه کرده است و رشد اقتصاد «از میانه به پایین و پایین به بالا، نه فقط از بالا به پایین» بوده است. حتی بایدن فرصت را غنیمت شمرده تا با تقویت نظام بانکی (۱۶ کد)، افزایش مالیات ثروتمندان (۱۸ کد) و حمایت از کودکان (۸ کد) روایت ملی خود را از ترامپ و اوباما متمایز کند. این‌ها، کدهایی هستند که در روایت اوباما و ترامپ دیده نشدند یا با بکارگیری واژگان متفاوت، بسیار کمرنگ شده‌اند.

با وقوع ورشکستگی بانک «سیلیکون‌ولی»^۱ و بانک «سیگنیچر»^۲ در مارس ۲۰۲۳، دولت بایدن شروع به وضع مقررات جدیدی برای تقویت نظام بانکی آمریکا کرد. بایدن مدعی شده با وجود این مقررات جدید بانکی، بحران ۲۰۰۸ مجدداً اتفاق نمی‌افتد. این در حالی بوده که بایدن پیش از آن با وضع قوانین جدید مالیاتی هم درصدد بوده تا به رشد اقتصاد آمریکا کمک کند. موضوع بااهمیت برای بایدن افزایش نرخ مالیات شرکت‌ها و ثروتمندان در راستای مراقبت از حقوق کودکان و طبقه کارگران بوده است. وی به‌طور صریحی یادآور شده «که نتیجه مخالفت و بی‌توجهی جمهوری خواهان در کنگره با این تصمیم وی، فقر کودکان آمریکایی است» و با طرح نجات آمریکا می‌توان در راستای کاهش فقر کودکان، افزایش رشد شغلی و بهبود مراقبت‌های بهداشتی گام برداشت. در حالی که بایدن تلاش می‌کند تا تصویری سازنده از خود ایجاد کند، و از جمهوری خواهان به‌عنوان حزبی یاد می‌کند که به مسئولیت‌های مالی و اقتصادی اهمیت نمی‌دهند.

1. Silicon Valley Bank
2. Signature Bank

رویکرد بایدن به اقتصاد پسا کووید ۱۹ در حالی بوده که ترامپ از شیوع کووید ۱۹ و ساخت واکسن به‌عنوان فرصتی برای جهت‌دهی به روایت ملی خود برای ایجاد مشاغل جدید استفاده کرده بود. ترامپ ادعان داشته که «اقتصاد آمریکا را با ساخت و تولید واکسن کووید ۱۹ از بحران نجات داده و با پیشتازی سهام آمریکا در جهان، بیش از ۱۰/۶ میلیون شغل ایجاد کرده‌است». وی نجات آمریکا از این بحران را سریع‌ترین مورد بهبود بازار کار و اقتصاد در تاریخ آمریکا در مقابل اوباما-بایدن معرفی کرده است. با وجود انتقادهای ترامپ از دموکرات‌ها، اوباما هم خود را به‌عنوان رهبری موفق برای نجات آمریکا از بحران ۲۰۰۸ به تصویر کشید که توانست نرخ بیکاری را از ۱۰٪ به ۵/۱٪ برساند.

رویکرد مشترک اوباما، ترامپ و بایدن در روایت ملی آنها در مورد حقوق کارگران دارای جهت‌گیری‌های متفاوتی بوده است. به‌عنوان مثال در حالی که اوباما، گام‌های اولیه را برای افزایش حداقل دستمزد کارگران برمی‌داشت، ترامپ برخلاف سلف خود گام برداشت و از قدرت خود برای به حداقل رساندن حقوق آنها استفاده کرد. با اینکه ترامپ کمترین توجه را به حقوق کارگران (۳ کد) داشت، بایدن تلاش کرده تا دنباله‌روی سیاست‌های اوباما باشد. از این رو در روایت بایدن می‌توان ۲۲ کد در مورد حمایت از حقوق کارگرانی که اقتصاد آمریکا را ساخته‌اند، مشاهده کرد. علاوه بر این حمایت از صنعت خودروسازی هم در روایت ملی این سه رئیس‌جمهور بر مبنای رویکرد حزبی مشاهده می‌شود.

با وجود اینکه صنعت خودروسازی از سیاست‌های کاخ سفید تأثیرات مستقیمی می‌پذیرد اما تنها در محتوای توییت‌های بایدن و اوباما دیده می‌شود و ترامپ در خصوص این موضوع بی‌توجه بود. اما نوع نگاه اوباما و بایدن متفاوت است مثلاً اوباما مدعی بود که از ورشکستگی صنعت خودروسازی آمریکا جلوگیری کرده و بیشترین رشد شغلی را از طریق آن ایجاد کرده است. در حالی که تمرکز بایدن بر روی نجات صنعت خودروسازی آمریکا، وضع قوانین سخت‌گیرانه برای کاهش میزان آلاینده‌های خودروها و استفاده از انرژی‌های پاک بوده است. وی بر این باور بوده که «خوروهای الکتریکی آینده صنعت خودروسازی آمریکا هستند». علاقه دولت بایدن به خودروهای الکتریکی منجر شده تا وی به سمت ایجاد زیرساخت‌های داخلی برود. کد ایجاد زیرساخت‌های داخلی، کد مشترک ترامپ و بایدن است که ترامپ با ۲۳ بار تکرار در روایتش، تمرکز خود را بر روی ساخت و بهبود جاده‌ها، تونل‌ها، افزایش خدمات حمل‌ونقل گذاشته بود. در حالی که اوباما درباره این موضوع بی‌توجه بوده اما رویکرد هم حزبی‌اش بایدن نسبت به او



متفاوت بوده است. چراکه وی تلاش بسیاری کرده تا قانون زیرساخت‌ها را به تصویب برساند. این قانون تفاوت بارز روایت بایدن و ترامپ را در محتوای این دسته از توییت‌ها برجسته کرده - است. به این دلیل که تمرکز بایدن علاوه بر موارد مذکور ترامپ، بر روی ایجاد زیرساخت انرژی پاک، دسترسی به اینترنت و خودروهای الکتریکی بوده است.

مقوله حفظ نظم اجتماعی شامل پنج کد است که تفاوت نوع نگاه بایدن و اوباما در مورد زنان در آن به تصویر کشیده است. به‌عنوان مثال؛ تاکید بایدن بر روی ارتقای نقش حقوق زنان و دختران در سیاست داخلی و خارجی آمریکا به‌عنوان یک عنصر مهم در تعریف روایتش است؛ «اینکه آمریکا چه ملتی است؟ و چه فرصت‌هایی برای زنان ایجاد می‌کند؟» همچنین وی یادآور می‌شود که «مشاغل تحت مالکیت زنان سالانه ۱/۸ تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی آمریکا افزوده است». در حالیکه اوباما در روایتش به نقش زنان برای شکستن موانع صندوق‌های رای و ایجاد برابری اشاره کرده و نقش فداکارانه زنان در جنگ‌ها را پررنگ کرده که توانستند آمریکا را تبدیل به یک کشور برابرطلب کنند. بی‌توجهی ترامپ به موضوع زنان در حالی بوده که وی برای تمایز روایتش به سراغ بهبود شرایط زندگی سیاه‌پوستان با ۱۳ کد رفت. این رویکرد وی همزمان با حادثه مرگ جورج فلویید و ایجاد موجی از اعتراضات در آمریکا و جهان بود. ترامپ ادعا می‌کرده که «بیشترین تغییر را در زندگی سیاه‌پوستان آمریکا بوجود آورده و درآمد آنها تحت رهبری وی بیشتر شده و کمترین نرخ بیکاری و پایین‌ترین نرخ فقر را در زمان رهبری او داشته‌اند».

بیشترین تأکید روی کد مبارزه با تبعیضات نژادی، مذهبی و جنسیتی متعلق به دولت اوباما (۳۰ کد) است که از کثرت‌گرایی مذهبی و نژادی در جامعه داخلی آمریکا حمایت کرده بود. به‌نظر می‌رسد که دولت ترامپ با این تفکر اوباما در ظاهر موافق بوده و حمایت از هرگونه رنگ، نژاد و مذهب را راهی برای دستیابی به آینده‌ای عادل توصیف می‌کرد. بایدن نیز همانند اوباما از وجود کثرت‌گرایی در جامعه داخلی آمریکا حمایت کرده است، اما یک تفاوت اساسی با رقیب جمهوری خواه و هم‌حزبی خود داشته است. وجه تمایز روایت ملی بایدن بر مبنای رویکردش به شکاف‌های جنسیتی زنان، مردان و پشتیبانی از جامعه دگرباش‌ها بوده است. در حالی که محتوای توییت‌های اوباما و ترامپ، خالی از این موضوع بوده است. همچنین بایدن از تلاش جمهوری‌خواهان برای تصویب لایحه‌های ضد‌دگرباش جنسی و ایجاد نفرت در جامعه داخلی آمریکا انتقاد کرده است. علاوه بر این، کد حمایت از پناهندگان به‌عنوان کد مشترک بین اوباما و ترامپ دارای شدت و ضعف‌های متفاوت در روایت‌های آنها بود. با وجود اینکه اوباما تأکید

بیشتری بر روی حمایت از پناهندگان و مهاجران غیرقانونی (۱۷ کد) داشت اما این موضوع در محتوای توییت‌های بایدن غایب بوده است. اواما در روایتش بر روی حمایت از پناهندگان و مهاجران تأکید کرده بود تا علاوه بر بسط ارزش‌ها و یادآوری حمایت‌های بشر دوستانه آمریکا، نقش خود را به‌عنوان رهبر به حزب جمهوری خواه یادآوری کند. اما ترامپ و سایر جمهوری-خواهان با بی‌توجهی به مسئله پناهندگان مدعی شدند که ساخت دیوار مرزی مکزیک، مانع از قاچاق انسان در مرزهای جنوبی می‌شود.

در مقوله کاهش جرائم داخلی، کد مشترک در روایت ملی دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، کد حمایت از نیروهای مسلح با رویکردهای متفاوت بوده است. مهم‌ترین بخش این مقوله، روایت رؤسای جمهور دموکرات کاخ سفید چه در زمان اواما، که بایدن معاونش بود و چه در زمان ریاست جمهوری بایدن، کاهش قوانین حمل و خرید سلاح توسط شهروندان عادی است. دموکرات‌ها نخستین قانون کنترل سلاح گرم را در سال ۱۹۹۴ به تصویب رساندند که بر پایه آن، تولید و ساخت سلاح‌هایی با خشاب پرظرفیت ممنوع شده است، اما در سال ۲۰۱۴ این قانون توسط جمهوری خواهان در کنگره لغو شد. بایدن معتقد است که اسلحه قاتل شماره یک شهروندان آمریکایی بوده و باید محدودیت‌هایی در خرید آن اعمال شود، موضوعی که در روایت ملی دولت ترامپ مغفول مانده است. حتی بایدن مدعی شده که توانسته مهم‌ترین قانون ایمنی اسلحه را در ۳۰ سال گذشته بتصویب رساند.

با این حال اواما برای به تصویر کشیدن کاهش جرائم داخلی در روایت ملی اش به سراغ دو کد مبارزه با مواد مخدر (۱۴ کد) و کد عدالت اجتماعی و کاهش تعداد زندانیان (۱۱ کد) برخلاف بایدن و ترامپ رفت. وی بر این باور بوده که «مصرف هروئین و استفاده بیش از حد از داروهای قانونی منجر به افزایش مرگ شهروندان آمریکایی گردیده که بیشتر از تصادفات جاده‌ای بوده است». یکی دیگر از دغدغه‌های اواما در این روایتش، کاهش تعداد زندانیان بوده چراکه وی معتقد بود هزینه بسیاری برای دولت آمریکا داشته است. اواما تأکید داشته که «۳۰ سال پیش ۵۰۰/۰۰۰ زندانی در آمریکا وجود داشت. اما امروز ۲/۲۰۰/۰۰۰ نفر در آمریکا زندانی هستند. آمریکا ۵٪ جمعیت جهان را دارد که ۲۵٪ زندانیان جهان در آمریکا هستند».

در مقوله حامی علم، در حالی که جمهوری خواهان غایب بودند، بایدن و اواما می‌خواستند تا با کاهش نرخ بهره وام دانشجویی و رایگان کردن دو سال کالج، از دانشجویان حمایت کنند. موضوعی که برای ترامپ بی‌اهمیت بود. همچنین علاقه اواما به علم موجب شد تا به دنبال



پیشرفت بیشتر فناوری‌های اطلاعاتی در دولت آمریکا و دیجیتالی کردن نهادهای دولتی برای ارتقا ارزش‌های لیبرال دموکراسی باشد. این اختلاف نظر بین بایدن، ترامپ و اوباما در کدهای یکسان هم دیده می‌شود. مثلاً در مقوله اهمیت به محیط زیست، می‌توان سطح یکسان دغدغه آنها در برخورد با خطرات زیست‌محیطی داخلی نظیر آتش‌سوزی، طوفان و گردبادها را مشاهده کرد. نکته مهم این کد، اهمیت ترامپ به محیط‌زیست داخلی ترامپ با ۲۳ کد نسبت به رقبای دموکراتش است. ترامپ برخلاف اوباما و بایدن، با بی‌توجهی به معضلات محیط زیست بین‌المللی و توافق‌نامه پاریس، تنها روی مشکلات محیط زیستی داخلی آمریکا تمرکز داشت. همچنین در مقوله حمایت از ورزش کاران هر سه رئیس‌جمهور با شدت‌های متفاوت حمایت خود را از آنها نشان دادند، اما بیشترین حمایت از ورزش با ۲۷ کد در روایت اوباما مشاهده می‌شود.

آخرین مقوله در روایت ملی دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، زیر سؤال بردن دستاوردهای یکدیگر و مقصر دانستن یکدیگر برای توجیه سیاست‌های جدید یا وقایع ناخوشایند در آمریکا است. مثلاً بایدن به محض ورود به کاخ سفید، مسئولیت خود را با لغو تعدادی از فرمان‌های اجرایی ترامپ نظیر بیمه خدمات درمانی و قوانین حمل اسلحه شروع کرد. بایدن همانند سلف خود با انتخاب کلمات خاص بر مبنای رویکرد حزبی دموکرات‌ها تلاش کرده تا جمهوری خواهان را مقصر بی‌قانونی، تبعیض نژادی، به خطر انداختن جامعه ال.جی.بی.تی،^۱ سیاه‌پوستان و در مجموع جان شهروندان آمریکایی نشان دهد. بایدن معتقد بوده که ترامپ با افزایش هزینه‌های درمان و کاهش مالیات ثروتمندان می‌خواست کسری بودجه خود را جبران کند. در حالی که تأکید اوباما برای زیر سؤال بردن جمهوری خواهان، فقط بر روی قوانین حمل اسلحه بود که حزب جمهوری خواه سنا از آن حمایت نمی‌کرد. ترامپ هم به نوبه خود، حزب چپ را به افراط‌گرایی متهم می‌کرد، وی اذعان داشته که «زمانی که اقتصاد آمریکا در حال رشد و بازسازی بود دموکرات‌ها، پول‌ها را برای ساخت بیمارستان و مدارس نگه داشتند». جدول زیر، کدهای روایت‌های ملی اوباما، ترامپ، بایدن دسته‌بندی شده است.

جدول ۵. روایت راهبردی ملی

مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
ارتقا نظام سلامت		بیمه خدمات درمانی (اوباماگر)	۵۰	-	۱۰۹
		بیمه خدمات درمانی (ترامپ)	-	۳۱	-
		محافظت از جان شهروندان	۱۵	۳۰	۱۷
		ساخت واکسن	-	۲۶	-
		مبارزه با کووید ۱۹	-	۱۵	-
رشد فزاینده اقتصاد		رهبر مردم آمریکا	۱۷	۱۳	۷
		پیشرفت اقتصاد	۷	۲۱	۴۲
		افزایش مشاغل	۹	۱۷	۳۴
		حقوق کارگران	۸	۳	۲۲
		حمایت از صنعت خودروسازی	۸	-	۵
		حمایت از کودکان	-	-	۸
		طرح نجات آمریکا	-	-	۱۲
		تقویت نظام بانکی	-	-	۱۴
		افزایش مالیات ثروتمندان	-	-	۱۸
		ایجاد زیرساخت‌های داخلی	-	۲۳	۱۲
		حفظ نظم اجتماعی		حمایت از زنان	۲۳
مسئله پناهندگان	۱۷			۲	-
مبارزه با تبعیضات «نژادی و مذهبی، جنسیتی»	۳۰			۲۰	۱۳
بهبود شرایط سیاه‌پوستان	-			۱۳	-
حق رای	۱۱			-	۵
حامی علم		حمایت از علم و فناوری	۷	-	-
		حمایت از دانشجویان	۱۶	-	۲
حامی ورزش		حمایت از ورزشکاران	۲۷	۷	۳
کاهش جرائم داخلی		حمایت از نیروهای مسلح	۱۹	۸	۱۰
		مبارزه با گسترش اسلحه	۲۷	-	۲۳
		مبارزه با مواد مخدر	۱۴	-	-
		کاهش تعداد زندانیان	۱۱	-	-
اهمیت محیط‌زیست		مقابله با خطرات زیست محیطی	۷	۲۳	۴
مبارزات حزبی		زیر سوال بردن دستاوردهای دموکرات‌ها	-	۵۰	-
		زیر سوال بردن دستاوردهای جمهوری خواهان	۱۰	-	۶۱
		مجموع کد	۳۳۳	۲۸۷	۴۴۲

روایت راهبردی ملی

روایت راهبردی نظام بین‌الملل

تحلیل نقش روایات در روابط بین‌الملل مستلزم توجه به این موضوع است که چگونه بازیگران از بین انبوهی از مواد خام بین‌الملل، تصویر و کد مورد نظر خود را برای ساخت روایت راهبردی انتخاب می‌کنند تا به معنای مورد نظر خود از گذشته، حال و آینده شکل دهند. در نتیجه این انتخاب، برخی روایت‌ها پررنگ و برخی دیگر به حاشیه رانده می‌شوند. اوباما، ترامپ و بایدن سعی داشته‌اند روایت‌های خاص خود را برای بهره‌برداری از امور بین‌الملل بسازند، و به آنها معنا بخشند. به‌عنوان مثال؛ موضوع مهم برای اوباما در توصیف نقش رهبری و حفظ جایگاه آمریکا، رهبری در اکتشافات فضایی و نقش سازنده ناسا با ۳۷ کد بود. اوباما می‌خواست تا اواسط دهه ۲۰۳۰ فضانوردان را به مدار مریخ بفرستد. اما این کد تنها تفاوت روایت اوباما با هم‌حزبی فعلی خود در کاخ سفید یعنی بایدن نیست. کد رهبری اقتصادی آمریکا با ۱۷ بار تکرار در روایت بایدن، موضوعی است که به‌نظر می‌رسد برای اوباما به نسبت کم‌رنگ بوده است. چون بایدن با ورودش به کاخ سفید می‌خواست آمریکا را تبدیل به مقصد شرکت‌های تجاری بزرگ جهان و رهبر تمام تولیدات به‌ویژه تولیدات نیمه‌هادی کند.

با وجود تفاوت بین دیدگاه بایدن و اوباما در توصیف نقش رهبری، دو کد رهبری انرژی پاک و تغییرات آب‌وهوایی برای مقابله با مشکلات جهانی بین آنها مشترک بوده است. اما رویکرد این دو هم‌حزبی به مقوله رهبری در این دو کد دارای شدت و ضعف‌هایی بوده، به‌گونه‌ای که اوباما در هر دو کد پیش‌تاز بوده است و از آن به‌عنوان «نمونه کاملی از تعریف رهبری آمریکا در جهان پیچیده یاد می‌کند». اوباما در روایتش از تلاش برای ایجاد وابستگی متقابل سخن گفته و «از دولت‌ها خواسته تا از منافع و مسئولیت‌های مشترک برای رسیدگی به مشکلات زمین استفاده کنند». وی بر این باور بوده که «تغییرات اقلیمی، نقطه عطفی برای محافظت از سیاره زمین هستند و با پیشبرد فناوری‌های انرژی پاک در راستای کربن‌زدایی، همه کشورهای جهان باید به رهبری آمریکا با یکدیگر همکاری کنند». اما پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، آمریکا از این پیمان آب‌وهوایی خارج شد، چراکه وی معتقد بود این توافقنامه، اقتصاد آمریکا را تضعیف خواهد کرد و یک ضرر دائمی خواهد بود. ترامپ به‌دنبال این نوع رهبری نبوده بلکه در روایتش متعهد شده بود که فقط شهروندان آمریکایی، پاک‌ترین آب و هوا را روی زمین خواهند داشت. با وجود این، به محض بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید، بایدن مجدداً به توافقنامه پاریس بازگشت و از جمهوری‌خواهان برای اینکه رهبری انرژی‌های پاک و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی در جهان را



به چین واگذار کردند، انتقاد کرد. همچنین بایدن در روایتش از ساخت آمریکای جدیدی سخن گفته که مجدداً رهبری جهان را با ایجاد زیرساخت‌های لازم در مورد انرژی‌های پاک بدست خواهد گرفت.

با این حال جمهوری خواهان هم نیاز به توصیف نقش رهبری آمریکا در جهان در روایت نظام بین‌الملل خود داشتند. شیوع کووید ۱۹ این فرصت را به ترامپ داد تا خود را به‌عنوان رهبر اصلی جهان در مبارزه با کووید ۱۹ (۷۵ کد) معرفی کند و از دولت خود به‌عنوان سازنده واکسن با کمترین میزان مرگ‌ومیر یاد کند. علاوه بر این، بخش دیگری از روایت ترامپ بر مبنای ادعای وی در پیشبرد رهبری صلح در جهان تعریف می‌شود. بر همین اساس، ترامپ برای پیشبرد این نوع رهبری خود در جهان نیاز به کشورهایی با نقش منفی و تهدیدکننده داشته است.

در مقوله مقابله با تهدیدات ترسیم شده، ترامپ تلاش کرد تا نقش مثبت رهبری‌اش برای پیشبرد صلح را به تصویر کشید. وی در تعریفش از دیگری تلاش می‌کرد تا تصویری منفی از چین، کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا، مراکش و در منطقه غرب آسیا به‌ویژه ایران، عراق، سوریه، افغانستان بسازد، در حالی که رژیم صهیونیستی در تعریف وی از «دیگری»، دارای نقشی سازنده و خواهان صلح در غرب آسیا بوده است. دولت ترامپ خواهان صلح در منطقه پرآشوب غرب آسیا با ایجاد سودان جدید و سوریه و عراق ایمن بوده است. ترامپ مدعی شده نقش مهمی در پذیرش توافق صلح سودان و نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است. حتی ترامپ برای تصویرسازی بیشتر این نقش خود در روایتش تاکید داشته که «داعش را نابود کرده، و ماموریتش علیه داعش را تکمیل شده است و باید سربازان آمریکایی را از «جنگ‌های بی‌پایان» خاورمیانه به خانه بازگردند». وی تلاش کرده تا در روایتش غرب آسیایی پرآشوب را به تصویر بکشد، که تحت حمایت وی با توافقنامه‌های ابراهیم به سمت صلح در حرکت است. ترامپ معتقد بود که این توافقنامه به روند صلح‌سازی و ایجاد روابط سازنده دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بین بحرین و رژیم صهیونیستی کمک قابل توجهی می‌کند. تلاش ترامپ برای پررنگ‌سازی این نوع رهبری در روایتش تا جایی ادامه یافت که خود را نامزد دریافت جایزه صلح نوبل کرده بود.

یکی از تهدیدات ترسیم شده، ایران بود که ترامپ از آن به‌عنوان مسئول ناآرامی‌های غرب آسیا یاد کرده و ایران را متهم به حمله به منافع آمریکا در غرب آسیا کرد. بدینی ترامپ به ایران با معرفی ایران به‌عنوان جستجوگر تسلیحات هسته‌ای به اوج خود رسید، دولت ترامپ و سایر



جمهوری خواهان همواره از دموکرات‌ها به دلیل دادن امتیاز به ایران و توافق هسته‌ای انتقاد کرده‌اند، در نهایت در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ به صورت یک‌جانبه از توافق برجام خارج شد. در حالیکه اوباما از توافق هسته‌ای برجام در روایتش به عنوان بزرگترین توافق تاریخ و دستاوردش نام برده که علاوه بر اینکه خطر جنگی بزرگ را دور می‌کند، از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری می‌کند. نکته مهم این است که ایران در روایت اوباما هم به عنوان یک تهدید ترسیم شده بود. حتی چین نیز در روایت ترامپ نقشی منفی دارد و به عنوان مقصر اصلی شیوع ویروس کووید ۱۹ و طاعون در جهان به تصویر کشیده شده است. اما ایران و چین تنها کشورهای نبودند که ترامپ نسبت به آنها رویکردی منفی در روایتش اتخاذ کرده بود، کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا به عنوان دولت‌های دیکتاتور در روایت ترامپ معرفی شدند که به حقوق شهروندان خود احترام نمی‌گذارند و حتی ترامپ اذعان داشت که تمام تلاش خود را برای آزادی آنها خواهد کرد. اینها تصاویری هستند که در روایت بایدن و اوباما به حاشیه رانده شده‌اند.

عمده‌ترین تفاوت بین اوباما، ترامپ و بایدن در نوع نگاه آنها به مبارزه با تروریسم است. در حالیکه بایدن درباره این موضوع بی‌توجه بوده، تمرکز روایت ترامپ بر مبنای مبارزه با داعش با بیشترین کد (۱۴ کد) بوده است. ترامپ مدعی شده: «زمانی که من به قدرت رسیدم داعش در سراسر عراق و سوریه وجود داشت و من ۱۰۰٪ نیروهای داعش را از بین بردم». نکته حائز اهمیت در روایت ترامپ در مورد تروریسم، این است که وی در کنار داعش از ایران هم به عنوان کشور شماره یک تروریستی یاد کرده و حتی شهید قاسم سلیمانی را به عنوان تروریست معرفی کرده است. اما روایت اوباما در مبارزه با داعش بر مبنای امنیت پناهندگان سوری و عراقی و حفظ جان شهروندان آمریکا متمرکز بود. اوباما برخلاف ترامپ، بیشترین نگرانی‌اش در مورد زنان و کودکان بی‌پناه سوری و عراقی بود تا مبارزه با داعش. نکته مهم این است که تنها تهدید ترسیم شده در روایت بایدن، حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ در زمان ایفای نقش ریاست جمهوری‌اش بوده است. بایدن، روسیه را به عنوان یک تهدیدگر نظم بین‌الملل معرفی کرده که به تعهدات بین‌المللی خود پایبند نبوده است.

مقوله حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی شامل سه کد مشارکت با سایر کشورها، کمک‌های بشردوستانه، گسترش دموکراسی و ارزش‌ها می‌شود. درحالی که اوباما بر روی کمک‌های بشر دوستانه به سوریه تمرکز داشت، ترامپ بر روی کمک بشر دوستانه به کشورهای درگیر در کووید ۱۹ متمرکز بود. اما این موضوع در روایت نظام بین‌الملل بایدن مغفول باقی مانده است.

چراکه تمرکز بایدن درباره این موضوع در روایت راهبردی ملی‌اش دیده می‌شد و تعریف وی از «کمک» تنها به افشار داخلی ضعیف آمریکا اعم از سالمندان، کودکان، بیماران، رنگین‌پوستان آمریکا محدود بوده است. علاوه بر این، کد مشارکت و همکاری با دیگران در روایت هر سه رئیس‌جمهور مشاهده می‌شود. اما هر اندازه که بایدن و اوباما برای توسعه برنامه‌های بین‌المللی خود در جستجوی همکاری با سایر متحدان و دولت‌ها بودند، ترامپ با چرخش در مواضع آمریکا، شکاف‌های مهمی بر مناسبات فرآتلانتیکی واشنگتن وارد ساخت تا جایی که نقش آمریکا را در همکاری‌های بین‌المللی کاهش داد. هر اندازه که بایدن و اوباما در روایت‌های خود بر روی گسترش پایه‌های دموکراسی متمرکز بوده‌اند تا ارزش‌های آمریکا را گسترش دهند، ترامپ برخلاف آنها گام بر می‌داشت. این رویکرد دموکرات‌ها به دلیل مواضع ترامپ، پس از روی کار آمدن بایدن بیش از پیش نسبت به دوره اوباما تقویت شد، به طوری که بیشترین کد را به خود اختصاص داده است، موضوعی که ترامپ درباره آن بی‌توجه بود. در جدول زیر کدهای روایت‌های راهبردی نظام بین‌الملل اوباما، ترامپ و بایدن دسته‌بندی شده است.

جدول ۶. روایت راهبردی نظام بین‌الملل

مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
روایت راهبردی نظام بین‌الملل	حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل	رهبری اکتشافات فضایی	۳۷	-	-
		رهبری مبارزه با کووید-۱۹	-	۷۵	-
		رهبری صلح (غرب آسیا و سایر)	-	۳۰	-
		رهبری اقتصاد جهان	-	-	۱۷
		رهبری مقابله با تغییرات آب و هوایی (توافق پاریس)	۳۴	-	۳
	مقابله با تهدیدات ترسیم شده	رهبری انرژی پاک	۲۰	-	۹
		حمله ایران به آمریکا	-	۶	-
		توافق هسته‌ای با ایران	۱۶	۲	-
		مبارزه با تروریسم (داعش)	۴	۱۴	-
		حمایت از شهروندان (کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا)	-	۶	-
		چین منشا ویروس	-	۱۴	-
		خروج سربازان (عراق، سوریه، افغانستان)	-	۶	-

مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
مفهوم راهبردی دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید در رسانه‌های اجتماعی ایکس... ۲۳	حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی	حمله روسیه به اوکراین	-	-	۳
		مشارکت با سایر کشورها	۱۰	۲	۲۲
		کمک‌های بشردوستانه	۱۱	۳	-
		گسترش دموکراسی و ارزش‌ها	۶	-	۱۵
		مجموع کدها	۱۳۷	۱۵۶	۶۹

نتیجه‌گیری

اوباما، ترامپ و بایدن سعی کرده‌اند تا روایت‌های راهبردی خود را در یک محیط ارتباطی شکل دهند. وجود حساب ایکس «@POTUS» منجر شده تا آنها فرصتی برای ساخت و نشر داستان‌ها و تصاویر خود بیابند. هر سه رئیس‌جمهور با ساخت روایت‌های راهبردی بر مبنای وقایع داخلی و بین‌المللی و انتخاب گزینشی مواد خام خود می‌خواستند تا هم رقبای داخلی و بین‌المللی و هم مخاطبان خود را در مورد اعتبار و مشروعیت روایت‌های ملی و بین‌المللی خود متقاعد سازند. از این رو با تجزیه و تحلیل کدهای سه حساب ایکس «@POTUS»، ۱۱ مقوله و دو مفهوم روایت راهبردی ملی و روایت راهبردی نظام بین‌الملل برجسته شده است که حکایت از آمریکای بدون نقص و مسئولیت‌پذیر دارد.

هر سه رئیس‌جمهور دارای کدهای مشابه در هر دو روایت هستند تا بر درک سایر بازیگران برای تعریف تصویر و نقش خاص آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت در نظام بین‌المللی اثر گذارند. در نهایت با گذشت زمان، محتوای توییت‌ها در حساب ایکس می‌تواند نقش قابل‌توجهی در پذیرش روایت‌های رؤسای جمهور آمریکا توسط رقبا و مخاطبان بازی کند. با این حال ما شاهد تفاوت در انتخاب کدها و اختلاف نظر بایدن، ترامپ و اوباما به کدهای مشترک هستیم که سطح متفاوت دغدغه دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات را در کاخ سفید نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال برای توصیف مفهوم روایت ملی، بایدن بر روی ۲۱ کد، ترامپ ۱۶ کد و اوباما ۲۰ کد تمرکز داشته‌اند و برای توصیف مفهوم روایت نظام بین‌الملل بایدن بر روی ۶ کد، ترامپ ۱۰ کد و اوباما ۸ کد متمرکز بوده‌اند.

روایت راهبردی ملی کاخ سفید شامل ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) می‌شود که با انتخاب گزینشی مواد خام داخلی بر مبنای رویکردهای حزبی از یکدیگر متمایز شده‌اند. در

حالی که هر دو حزب، دستاوردهای یکدیگر در مورد قوانین درمانی، حمل اسلحه را زیر سؤال می‌برند، اما یک هدف اصلی داشته‌اند، آن هم محافظت از جان شهروندان آمریکایی است. نکته مهم این است که ترامپ مدعی شد، مراقبت‌های بهداشتی بسیار بهتری نسبت به دموکرات‌ها با حذف اوباما کر و با هزینه بسیار کمتر ارائه کرده است. علاوه بر این، دموکرات‌ها به‌ویژه اوباما بر روی مقوله کاهش جرایم داخلی بیشتر متمرکز بوده‌اند. مهم‌ترین مقوله برای بایدن نسبت به ترامپ و اوباما، رشد اقتصادی بوده تا هم دستاوردهای اوباما را حفظ کند و هم قدرت اقتصادی آمریکای پسا کووید ۱۹ را احیا و افزایش دهد. این در حالی بوده که اصلی‌ترین مقوله برای اوباما، کاهش جرائم داخلی بود، مقوله‌ای که ترامپ نسبت به آن بی‌اهمیت بود و پس از وی، با ورود بایدن به کاخ سفید، مجدداً دستاوردهای اوباما با حمایت از قانون حمل اسلحه در حال احیا است. همچنین دموکرات‌ها به‌ویژه اوباما از حقوق زنان و حق رای در روایت خود حمایت کرده‌اند، اما ترامپ درباره این موضوع بی‌توجه بوده است. در مجموع، رؤسای جمهور آمریکا در انتخاب کدهای روایت ملی از یکدیگر متفاوت عمل کرده‌اند، اما نوع نگاه آنها به کدهای مشابه نظیر مبارزه با تبعیضات «نژادی، مذهبی و جنسیتی» و محیط‌زیست در روایت‌های آنها مختلف بوده است، چرا که هدف جلب حمایت داخلی و بسیج افکار عمومی برای پشتیبانی از سیاست‌هایشان بوده است. به‌عنوان مثال مسئله محیط‌زیست برای ترامپ فقط محدود به حوادث داخلی نظیر طوفان، آتش‌سوزی و سیل بوده، و ترامپ با خروج از توافقنامه پاریس می‌خواست به مشکلات داخلی آمریکا در مورد محیط‌زیست اولویت دهد.

روایت راهبردی نظام بین‌الملل شامل سه مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) می‌شود. حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل برای کاخ سفید به معنای تعریف نقش رهبری آمریکا در نظام بین‌الملل است که اوباما، ترامپ و بایدن آن را به دلیل انتخاب گزینشی مواد خام، متفاوت به تصویر کشیده‌اند. مقوله حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل شامل شش کد رهبری فضایی، رهبری مبارزه با کووید ۱۹، رهبری اقتصاد، رهبری صلح، رهبری مقابله با تغییرات آب و هوایی و رهبری انرژی پاک می‌شود. هر سه رئیس‌جمهور بر مبنای رویکرد، علایق و رویدادهای بین‌المللی زمان خود سعی در توصیف واژه رهبری و نقش رهبری آمریکا در روابط بین‌الملل داشته‌اند. با وجود این، بایدن تلاش کرده تا بخشی از رویکرد اوباما را در مورد رهبری تغییرات آب و هوایی و انرژی پاک دنبال کند، اما ترامپ، راه خود را به‌عنوان یک دولت مسئولیت‌پذیر در کووید ۱۹ از آنها جدا کرد. همچنین ترامپ



با ادعای رهبری صلح در غرب آسیا درصددِ بازنمایی تهدیدات ترسیم شده برای واشنگتن بود. مقوله‌ای که برای بایدن و اوباما کم‌رنگ بوده است. در حالی که روایت بین‌الملل ترامپ بر مبنای ترسیم تهدیدات بود، روایت اوباما و به‌ویژه بایدن بر اساس حفظ و گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی آمریکا پیش می‌رفته و می‌رود. با این حال با وجود شباهت در رویکرد اوباما و بایدن، این دو در برخورد با موضوعات بشردوستانه، متفاوت از یکدیگر عمل کردند، در حالی که اوباما و حتی ترامپ این مسئله را بر مبنای حوادثی نظیر گسترش داعش و شیوع کووید ۱۹ تعریف کردند، بایدن با تمرکز بر کمک به اقشار ضعیف داخلی آمریکا، درباره این کد بی‌توجه بوده است.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

با توجه به اهمیت موضوع دیپلماسی دیجیتال پیشنهاد می‌شود:

- برنامه‌ای مستند در پرس‌تی‌وی بر اساس یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در خصوص اهمیت دیپلماسی دیجیتال در دنیای امروز تهیه و پخش شود. در این برنامه باید از کارشناسان زبده برای تحلیل روایت‌های دیجیتالی استفاده شود.
- مرکز دیپلماسی عمومی وزارت خارجه ایران، با همکاری معاونت برون‌مرزی صداوسیما، یک اداره تخصصی همراه با دفاتر مختلف منطقه‌ای برای پیشبرد دیپلماسی دیجیتال در سطح منطقه و جهان ایجاد کند.
- یک حساب کاربری در ایکس مثلاً با عنوان «@Iran&themiddleeast» در وزارت خارجه با هدف نشر اطلاعات درست و بازنمایی تصویری مثبت از دستاوردهای ایران در منطقه غرب آسیا راه‌اندازی شود.
- حساب‌های کاربری رسمی رئیس‌جمهور در همه رسانه‌های اجتماعی داخلی و خارجی با یک عنوان یکسان مانند «@POI» راه‌اندازی شود، و پس از اتمام دوره ریاست جمهوری، تمام محتوا در یک بایگانی ملی دیجیتالی به‌منظور حفظ اطلاعات دولت و روایت راهبردی آن دولت ذخیره شود و در دسترس عموم باشد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- مطالعه نقش دیپلماسی دیجیتال وزارت خارجه آمریکا در مبارزه با نشر اطلاعات نادرست درباره تصویر ایالات متحده در غرب آسیا.
- تحلیل محتوای حساب‌های ایکس، اینستاگرام و یوتیوب رئیس‌جمهور آمریکا در مورد ایران.

- تحلیل روایت‌های راهبردی حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در مورد نقش ایران در منطقه غرب آسیا.

منابع و مأخذ

منصوریان، سعید، و خانی، محمدحسن (۱۴۰۱). دیپلماسی دیجیتال: بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا درباره برجام در بستر توئیتر. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۷(۲).

۸۱-۱۰۸

- Antoniades, A., Miskimmon, A. & O'Loughlin, B. (2010). Great power politics and strategic narratives, *Working Paper*. University of Sussex.
- Bilali, R. (2011). *Image theory: The Encyclopedia of Peace Psychology*.
- Bjola, C., and Manor, I. (2018). Revisiting Putnam's two-level game theory in the digital age: Domestic digital diplomacy and the Iran nuclear deal. *Cambridge review of international affairs*, 31(1), 3-32.
- Bjola, C., Cassidy, J. and Manor, I. (2019). Public Diplomacy in the Digital Age. *The Hague Journal of Diplomacy*, 14. 83-101.
- Boulding, K. (1959). National images and international systems. *Journal of Conflict Resolution*, 3(2). 120-131.
- Collins, S. D., DeWitt, J. R., & LeFebvre, R. K. (2019). Hashtag diplomacy: twitter as a tool for engaging in public diplomacy and promoting US foreign policy. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(2).
- Crilley, R. (2015). Seeing strategic narratives? *Critical Studies on Security*, 3(3). 331-333
- Hallams, E. (2010). Digital diplomacy: The internet, the battle for ideas & US foreign policy". *CEU Political Science Journal*, 5(4). 538-574.
- Holsti, O. R. (1962). The belief system and national images: A case study. *Journal of Conflict Resolution*, 6(3). 244-252.
- Miskimmon, A. and O'Loughlin, B. (2020). The visual politics of the 2015 Iran deal: narrative, image and verification. *Cambridge Review of International Affairs*, 1-21.
- Miskimmon, A., O'Loughlin, B. and Roselle, L. (2015). Strategic Narratives: a response. *Critical Studies on Security*, 3(3), 341-344.
- Miskimmon, A., O'Loughlin, B. and Roselle, L. (2017). *Forging the World: Strategic Narratives and International Relations*. MI: University of Michigan Press.
- Miskimmon, A., O'Loughlin, B., & Roselle, L. (2018). Strategic narrative: 21st century diplomatic statecraft. *Revista Mexicana de Política Exterior*, 113. 1-19.
- Miskimmon, A., O'loughlin, B., and Roselle, L. (2014). *Strategic narratives: Communication power and the new world order*. Routledge.

- Natarajan, K. (2014). Digital Public Diplomacy and a Strategic Narrative for India. *Strategic Analysis*, 38:1. 91-106.
- Nourani, H., Danesh, A., Nouri, M.R., Latifi F. (2020). Discursive (De) legitimization of the Iran Nuclear Deal in Donald Trump's Tweets. *Strategic Analysis*, 44(4), 332-345.
- Patalano, R. (2003). Beyond rationality: Images as guide-lines to choice. *Department of Economics Working Paper*, (5).
- Schmitt, O. (2018). When are strategic narratives effective? The shaping of political discourse through the interaction between political myths and strategic narratives. *Contemporary Security Policy*, 39(4).1-27.
- Schulman, K. (2017, Jan). The Obama Administration Digital Transition: Moving Forward. *Obama white House*. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2017/01/17/obama-administration-digital-transition-moving-forward>
- Stemler, S. (2000). An overview of content analysis. *Practical assessment, research, and evaluation*, 7(1), 17.
- Wall, A. (2015, May). Introducing @POTUS: President Obama's Twitter Account. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2015/05/17/introducing-potus-presidents-official-twitter-account>
- Yurieff, K. (2021, Jan). Biden becomes @POTUS: How the social media transition of power unfolded. *CNN*. Available at: <https://edition.cnn.com/2021/01/20/tech/biden-potus-twitter-account/index.html>